**گزارش (روایتی) از موقعیت آموزشی (فرایند آموزش) در کلاس درس**

امروز معلم به موقع وارد کلاس شد . با دانش آموزان سلام و احوالپرسی صمیمی و گرمی کرد . ذکر روز چهارشنبه را با هم خواندند. ساعت اول ریاضی داشتند او باید مبحث کسر های مساوی را آموزش میداد .بچه ها از قبل از موضوع درس با خبر بودند . معلم کاغذ هایی باشکل هندسی را از قبل برای آموزش مبحث کسر های مساوی آماده کرده بود واز دانش اموزان خواست که اول به او گوش دهند وبعد از اتمام درس اجازه باز کردن کتاب را دارند . با تا کردن و رنگ کردن کاغذ هایی که دردرس داشت کسررا آموزش داد. از تک تک دانش آموزان سوال می پرسید ، حواسش به دانش آموزانی که توجه نداشتن بود و آن هارا به جو کلاس بر می گرداند . روی تخته مثال هایی از کسر های مساوی نوشت ودر بین دانش آموزان راه می رفت. به همه ی آن ها شکل هایی که به دست داشت ،نشان می داد ؛معلم صدای آرامی داشت وخیلی خوب با بالا وپایین بردن صدا ،مطالب را بیان می کرد . در حین تدریس دانش آموزانی که سوال می پرسیدند ، با حوصله زیاد ،با روی خندان به آن ها گوش می کرد و جوابشان را می داد . معلم به دانش آموزان گفت:"کتاب هایتان را باز کنید وتمرین را حل کنید ." یکی از دانش آموزان سوالی پرسید؛ معلم گفت :"دخترم بلند تر بگوتا دوستا نت هم بشنوند " دختر سوالش را تکرار کرد او گفت که قسمتی از این مبحث را خوب یاد نگرفته است.معلم خیلی با حوصله وبا زبان ساده از نو توضیح داد و مثال هایی در زندگی واقعی برایش زد . وقتی دانش آموزان سوال میپرسیدند پیش آن ها می رفت و برای شان تمرین را توضیح می داد .تصاویر کتاب رابرای آن ها نشان و توضیح می داد . درس روز قبل را مرور کردند .دانش آموزان در کلاس مشارکت خوبی داشتند به عنوان مثال یکی از دانش آموزان خیلی خوب و سریع درس را متوجه می شدو برای دوستانش تو ضیح می داد. دانش آموزی مثل اینکه تازه عینکی شده بود،عینکش را زود به زود از چشمش در می آورد و معلم به او تذکر می دادکه عینکش را به چشم بزند ؛به نظر می رسد ایشان خیلی به سلامت و تربیت دانش آموزان توجه می کند ؛ علاوه بر این خانم سوادکوهی با نهایت احترام با آن ها صحبت می کند . زنگ تفریح به صدا در آمد ولی معلم از کلاس خارج نشد و کل ساعت تفریح را در کلاس ماند ،دانش آموزانی که مشکل داشتند برایشان رفع اشکال می کرد. ساعت بعدی املا داشتند ، دانش آموزان از معلم خواستنداملا امروز ،پاتخته ای باشد،معلم موافقت کرد و به صورت داوطلبی (از آنجا که دانش آموزان ابتدایی همه مشتاق اند به پای تخته بیایند)معلم از بین آن ها چند نفر را به نوبت انتخاب می کرد که پای تخته بیایند .بقیه در دفترشان می نوشتند و بعداز نوشتن دانش آموزانی که روی تخته می نوشتند ،بقیه غلط هایش را می گرفتند و آن را اصلاح می کردند،معلم خیلی با حوصله و شمرده شمرده جمله ها را تکرار می کردو در طول املا به آموزش علائم نگارشی و جمع افعال هم می پرداخت و در حین املا معنی لغت و هم خانواده ی کلمات را بعد از گفتن املا ، از دانش آموزان پرسید . معلم تکلیف روز بعد را روی تخته نوشت و خبری را که در روزنامه خوانده بود برای بچه ها تعریف کرد . او همچنین از بچه ها خواست که از خبر های جالبی که از جاهای مختلف شنیدند را برای بقیه تعریف کنند نمونه سوال به دانش اموزان داد تا در خانه حل کنند و یک نمونه به ما هم داد ووتک تک سوال های این برگه را برایشان تو ضیح داد تا هر جا که متوجه نشدند برایشان توضیح دهد .